



The Impact of Political Approaches on the Development of Islamic and Shiite Studies in the British Academic Community*

Ahmad Vaezi Jozi¹ 

Omid Alipour Olyaei² 

1. Professor, Philosophy and Theology, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

vaezi@bou.ac.ir

2. PhD, Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author)

omidalipour64@yahoo.com



Abstract

The British academic community has produced a plethora of studies encompassing various approaches to Islamic studies, ranging from foundational to practical or applied dimensions. This research aims to explore whether the British political system played a role in the initial development of these studies and, if so, whether it has exerted a distinct influence on Islamic initiatives. To address the first question, we employ the picture theory to examine the involvement of the British political system in Islamic studies. We assert that pictures—mental representations of reality—significantly influence decision-making and policymaking within political systems. By analyzing existing centers, articles, speeches, and other factors, alongside the mental images held by politicians, we conclude that Islamic and Shia studies in Britain are, to some extent, shaped by the perceptions and policies of the governing authorities and media. Drawing

* Vaezi Jozi, A. Alipour Olyaei, O. (2023). 1. The Impact of Political Approaches on the Development of Islamic and Shiite Studies in the British Academic Community. *Journal of Political Science*, 26(104), pp. 80-111. <https://doi.org/10.22081/psq.2024.68566.2869>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/10/24 • **Revised:** 2023/11/26 • **Accepted:** 2023/12/19 • **Published online:** 2023/12/24

© The Authors



on the picture-making theory and its application to decision-making processes at both individual and organizational levels, we argue that these studies are partly constructed based on the prevailing images projected by governmental policies and media narratives, particularly through a critical lens of the governing policies regarding the Islamic world.

Keywords

The British Academic Community, Islamic Studies in the West, Islamic and Shiite Studies, Orientalists, Historical Phenomenology Approach.





أثر المقاربات السياسية في تطور الدراسات الإسلامية والشيعية

في المجتمع الأكاديمي البريطاني*

أحمد واعظ جزئي^١  أميد علي بور عليائي^٢ 

١. أستاذ الفلسفة والكلام، جامعة باقر العلوم، قم، إيران.

vaezi@bou.ac.ir

٢. دكتوراه في دراسات الشيعة، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

omidalipour64@yahoo.com

المخلص

قدّم المجتمع الأكاديمي البريطاني العديد من الأبحاث ذات المناهج المتنوعة في مختلف المجالات، بما في ذلك العلوم الإسلامية. هذه الأبحاث جانب جوهري يستتبع مخرجات تطبيقية أحياناً، وأحياناً لا يستتبع. وسؤال هذه الورقة هو أساساً هل للنظام السياسي في هذه المنطقة الجغرافية تدخل في تطوير هذه الدراسات أصلاً أم لا، وإذا كان له، فهل هناك وظيفة خاصة لطريقة الأنشطة الإسلامية؟ للإجابة على السؤال الرئيسي، قمنا بدراسة وظائف النظام السياسي البريطاني في مجال الدراسات الإسلامية استناداً إلى نظرية التصور، وتوصلنا إلى نتيجة مفادها أن التصورات تلعب دوراً مهماً في القرارات والسياسات؛ كما يُعتقد أن الأنظمة السياسية لا تتخذ قراراتها على أساس "الواقع"، بل على أساس "تصورها من الواقع". ومن خلال دراسة المراكز المتوفرة والأوراق البحثية والمحاضرات ومختلف العوامل الأخرى والتصورات الذهنية للسياسيين، سنشير إلى الاستنتاج القائل بأنه بناءً على نظرية التصور وتطبيقها في اتخاذ القرارات من قبل الأفراد والمنظمات، يمكن القول بأن الدراسات الإسلامية وكذا الدراسات الشيعية في بريطانيا مبنية أساساً على تصورات حدّتها ذات السياسات السائدة ووسائل الإعلام في المجتمع الأكاديمي؛ وذلك في الجانب السلبي من تلك السياسات تجاه العالم الإسلامي.

كلمات مفتاحية



المجتمع الأكاديمي البريطاني، الدراسات الإسلامية في الغرب، الدراسات الإسلامية والشيعية، المستشرقون، النهج الظاهري التاريخي.

* واعظ جزئي، أحمد؛ علي بور عليائي، أميد. (٢٠٢٣م). أثر المقاربات السياسية في تطور الدراسات الإسلامية والشيعية في المجتمع الأكاديمي البريطاني. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ٢٦(١٠٤)، صص ٨٠-١١١.
<https://doi.org/10.22081/psq.2024.68566.2869>



تاثیر رویکردهای سیاسی بر توسعه مطالعات اسلامی و

شیعی در جامعه دانشگاهی بریتانیا*

احمد واعظی جزئی^۱  امید علی پور علیانی^۲ 



۱. استاد فلسفه و کلام، دانشگاه باقرالعلوم ع، قم، ایران.
vaezi@bou.ac.ir

۲. دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
omidalipour64@yahoo.com

چکیده

جامعه دانشگاهی بریتانیا پژوهش‌های متعددی را با رویکردهای متنوع در حوزه‌های مختلف از جمله علوم اسلامی ارائه داده است. این پژوهش‌ها جنبه‌ای بنیادین دارد که گاه کارهای کاربردی بر آنها مترتب است و گاه مترتب نیست. پرسش این مقاله آن است که آیا اساساً نظام سیاسی در این حوزه جغرافیایی در وهله اول ورودی در توسعه این مطالعات دارد یا خیر و اگر تأثیر دارد آیا کارویژه خاصی در قبال چگونگی فعالیت‌های اسلامی وجود دارد؟ برای پاسخ به پرسش اصلی، کارویژه‌های نظام سیاسی بریتانیا را در حوزه مطالعات اسلامی بر اساس نظریه‌تصور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که تصویرها نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دارند؛ چنان‌که اعتقاد بر این است که نظام‌های سیاسی نه بر پایه «واقعیت»، بلکه بر پایه «تصویری که از واقعیت» دارند، اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند. با بررسی مراکز موجود، مقالات، سخنرانی‌ها و عوامل مختلف دیگر و تصویرهای ذهنی

* **استناد به این مقاله:** واعظی جزئی، احمد؛ علی پور علیانی، امید. (۱۴۰۲). تاثیر رویکردهای سیاسی بر توسعه مطالعات اسلامی و شیعی در جامعه دانشگاهی بریتانیا. علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۴)، صص ۸۰-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22081/psq.2024.68566.2869>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم ع، قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳



سیاستمداران، به این نتیجه اشاره خواهیم کرد که بر پایه نظریه تصویرسازی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری فردی و سازمانی، می‌توان گفت مبنای اسلام‌شناسی و مطالعات شیعی در بریتانیا در بخش‌هایی بر ساخته تصاویری است که همان سیاست‌های حاکم و رسانه‌ها برای جامعه دانشگاهی تعیین کرده‌اند؛ آن‌هم در جنبه‌های سلبی که سیاست‌های حاکم نسبت به جهان اسلام دارد.

کلیدواژه‌ها

جامعه دانشگاهی بریتانیا، اسلام‌پژوهی در غرب، مطالعات اسلامی و شیعی، مستشرقان، رویکرد پدیدارشناسی تاریخی.



مقدمه

در آغاز به پیشینه برخی پژوهش‌ها در این حوزه مطالعاتی می‌پردازیم. بخشی از کتاب حضور نوین اسلام در اروپای غربی که به همت توماس گراهام و جرج لیتمن گردآوری شده است، با بریتانیا مرتبط است. این اثر سه بخش دارد که بخش اول به پایه‌گذاری اسلام در حوزه‌های جغرافیایی اروپا تعلق دارد و شامل مقالات زیر است: «استقرار اسلام در جامعه بریتانیا: مسلمانان در بیرمنگام»، اثر دانیل ژولی؛ «مسلمانان در بریتانیا و پاسخ‌های مقامات محلی»، اثر یورگن اس. نیلسن و در بخش دوم مهاجرت و تحولاتی را در زمینه مذهبی بررسی می‌کند. آن‌گاه در بخش سوم اسلام را در بیرمنگام انگلستان با مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی شهری مذهب و اسلام در بیرمنگام» به قلم جان رکس بررسی کرده است (Gerholm & Lithman, 1977).

دیگر اثری که مرتبط با حوزه مطالعات اسلام شیعی در بریتانیا پدید آمده است، در طرح پژوهشی «ایجاد امت جایگزین: مرجعیت روحانی و بسیج مذهبی - سیاسی در اسلام فراملی شیعی»،^۱ اثر الیور شاربروت در حال انجام است که آن هم به بررسی مراکز شیعه در لندن پرداخته است. پژوهشی دیگر در این موضوع را شاربروت با عنوان «بررسی اسلام شیعه در دانشگاه‌های بریتانیا: برخی تأملات مقدماتی»^۲ صورت داده است.

در این تحقیق نویسنده تنها به برخی پروژه‌های مطالعاتی مرتبط با شیعه در برخی مراکز دانشگاهی اروپا اشاره می‌کند که در بخش‌هایی به عنوان فهرست می‌توان به آن ارجاع داد (Scharbrot, 2020).

با توجه به پیشینه اشاره شده، موضوع مقاله حاضر به صورت دقیق واکاوی نشده است و نیازمند توجه و تشریح بیشتری است؛ بنابراین با التفات به مطالب پیش باید گفت اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی در بریتانیا در دوره معاصر با آنچه که در گذشته بوده، بسیار

1. "Creating an Alternative umma: Clerical Authority and Religio-political Mobilisation in Transnational Shii Islam (ALTERUMMA)".

2. The Study of Shia Islam in British Academia: Some Preliminary Reflections.

متفاوت است. برخی مدعی اند امروزه مطالعات در بخش اسلام و شیعه مستقل از نهاد دین (کلیسا) و نهاد دولت (سیاست) عمل می‌کند؛ یعنی ارزیابی این پژوهش‌ها تنها از مسیر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها محقق می‌گردد و امروزه پژوهش‌های محققان غربی به صورت روشمند انجام می‌شود؛ همچنین پژوهش‌های شیعه‌پژوهان بریتانیایی درباره شیعه در دوره معاصر ویژگی‌هایی دارد که آورده علمی آنها را متفاوت‌تر از داده‌های علمی محققان مسلمان و شیعه می‌کند. این گروه آگاهی از رویکردهای غرب درباره مطالعات اسلام و شیعه را برای پژوهشگران مسلمان از ضروریات می‌دانند تا بتوانند تعاملی درخور با محققان غربی و آثارشان داشته باشند و به ارزیابی و نقدشان پردازند تا بتوانند با رویکردهای آنان در مواجهه با تاریخ و تمدن اسلامی و شیعی آشنا شوند؛ از جمله:

۱. رویکرد پدیدارشناسانه؛ ۲. رویکرد تاریخ‌نگرانه؛ ۳. رویکرد پدیدارشناسی تاریخی (صانع‌پور، ۱۳۹۵، صص. ۶۳-۸۴).

۱. رویکرد پدیدارشناسانه

پدیدارشناسی مفاهیم متعددی دارد که گاهی به معنای ویژگی‌های موهوم ادراک انسان و گاهی آن را به واقعیت تعریف کرده‌اند؛ اما باید گفت در دنیای معاصر به معنای صرف پژوهش توصیفی در باره عنوانی مشخص است. به باور برخی محققان پدیدارشناسی امری غیر از پدیدارنگاری است؛ بدین معنا که در پدیدارنگاری ویژگی‌های نمایان و قابل حس آن پدیده مورد نظر است؛ درحالی که فلسفه وجودی پدیدارشناسی، دورشدن از ظاهرگرایی صرف است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۳)؛ بنابراین در تعریف پدیدارشناسی باید گفت طریقه‌ای است که در آن محقق می‌کوشد بدون دخالت فرضیه‌ها و تحلیل‌ها، تنها به گردآوری و توضیح پدیده‌ها توجه کند؛ به دیگر سخن در پدیدارشناسی تحلیل وجود ندارد و تنها توصیفی از واقع موجود است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۴) و شناخت از پدیده و تبعات آن بر فرد و جامعه یا بر دوره تاریخی بیشتر از هر مسئله دیگری در پدیدارشناسی اهمیت دارد.

آنه ماری شیمل، اسلام‌شناس آلمانی معتقد است در پدیدارشناسی محقق تلاش

می‌کند در بدو امر با مطالعه موردی پدیده‌ها و سپس سطوح عمیق، واکنش‌های انسان در مقابل ذات ربوبی به مرکز دین وارد شود و به درونی‌ترین مسئله مقدس یک دین دسترسی پیدا کند (شیمل، ۱۳۷۶، ص. ۳۶).

در روش پدیدارشناسانه، اساس و چرایی پیدایش هر تفکر و اندیشه‌ای را می‌توان دریافت. عکس شیوه تاریخی که در آن، محقق التفات نمی‌یابد که اندیشه چه مبانی‌ای دارد و چگونه به وجود آمده است.

مورس کروز در این زمینه معتقد است که این شیوه به تشریح پدیدارها توجه دارد؛ به همان شکلی که خود را به وسیله خود نشان می‌دهند و هر شیء همان‌گونه که هست خود را ظاهر می‌سازد که این فرایند پدیدار نامیده می‌شود؛ یعنی به پدیده‌ها اجازه داده می‌شود خود را بی‌آلایش نشان دهند. مراد این است که به پدیدارها اجازه داده شود خودشان را پاک و بی‌آلایش آشکار سازند (شیمل، ۱۳۷۶، ص. ۳۶).

در شیوه پدیدارشناسانه، بر خلاف شیوه تاریخی، قصد معرفت به پدیده از طریق آشنایی با عنصرهای ذهنی و روانی افراد و درک پیامد آن بر آثار خارجی است. این کار با آشنایی و بازخوانی اسباب فکری ممکن خواهد شد. بر خلاف روش تاریخی که در آن، به مسئله بدون التفات به ظرفیت‌ها و عناصر ذهن توجه می‌گردد، در این شیوه، محقق به جای توجیه و تشریح رخدادهای تاریخی و خاستگاه یک تفکر، به عوامل فکری اعتقادی دین توجه می‌کند و به جای نظردادن، دین را تشریح و توصیف می‌کند و به نقش اعتقادی مانند امامت، رجعت و... در نظام فکری اسلام و شیعه توجه می‌کند (چلونگر، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۱).

در رویکرد تاریخ‌نگرانه، اگر اتفاق، اندیشه و مکتب را از رشته تاریخی و ادوار آن جدا کنیم، موضوع قابل تشخیصی نیست و باید اتفاق یا پدیده را در روند تاریخی به نسبت گذشته و حال بررسی کرد؛ اما در پدیدارشناسی به رابطه منطقی یک اتفاق با گذشته و حال یا محل وقوع آن نیازی نیست؛ هرچند درک زمان وقوع حادثه در فهم پدیده می‌تواند کار ساز باشد. در پدیدارشناسی، عوامل اساسی خود پدیده قابل اعتنا و مهم هستند (نصر، ۱۳۹۴، ص. ۳).

از اولویت‌های رویکرد پدیدارشناسانه نسبت به تاریخی‌گری این است که پدیدارشناسی تلاش می‌کند به جای جستجوی اصل اعتقادات در اتفاقات تاریخی و اجتماعی، آنها را در متن‌های مقدس و مبانی اعتقادی شیعه بیابد.

در حوزه شیعه‌پژوهی غربی، پدیدارشناسی در پی شرح و توصیف باورهای شیعه است تا بداند آموزه‌هایی مانند امامت در ساختار فکری اعتقادی شیعه چه کارکرد و نقشی ایفا می‌کند. خاورشناسانی همچون هانری کربن^۱ (۱۹۰۳ - ۱۹۷۸ م.) فیلسوف، شیعه‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی، آنه‌ماری شیمل^۲ (۱۹۲۲ - ۲۰۰۳ م.)، عرفان‌پژوه، اسلام‌پژوه و شرق‌شناس آلمانی و همیلتون گیب^۳ تاریخ‌دان و شرق‌شناس بریتانیایی قرن نوزدهم میلادی در برخورد با مؤلفه‌های اعتقادی اسلام و شیعه کم‌وبیش چنین روشی را در پیش گرفته‌اند (چلونگر، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۱).

۲. رویکرد تاریخ‌نگرانه

رویکرد تاریخ‌گرایی با نوشته‌های فیلسوف ایتالیایی، جامباتیستا ویکو^۴ و نویسنده فرانسوی، میشل دو مونتینی^۵ آغاز و در آثار هگل به اوج رسید. بر پایه این نگاه جوامع و کنش‌های انسانی در بخش‌های مختلف علمی، هنری و فلسفی در تاریخشان شناخته می‌شوند. تاریخ‌گرایان به ارتباط طبیعی میان افراد و جوامع معتقدند؛ بدین معنا که برای شناخت شخص باید او را در بافت^۶ جامعه‌اش قرار داد و برای معرفت به جامعه وی باید او را در بافت تاریخ و قدرت‌هایی که وی را شکل داده‌اند، مطالعه کرد (زائری و راغب، ۱۳۹۳).

تاریخ‌گرایان به ارتباط اندام‌وار میان افراد و جوامع معتقد هستند؛ به این معنا که برای

1. Henry Corbin.
2. Annemarie Schimmel.
3. H. A. R. Gibb.
4. Vico, Stanford Encyclopedia of Philosophy.
5. Michel de Montaigne.
6. Context .

شناختن شخص باید او را در جامعه‌اش قرار داد و برای شناختن جامعه، باید آن را با توجه به تاریخش و قدرت‌هایی که آن را شکل داده‌اند، مطالعه کرد (صانع‌پور، ۱۳۹۵، ص. ۶۵). در زمینه تاریخ تشیع نیز در این شیوه تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های عقیدتی شیعه بر پایه تحولات و ریشه‌های تاریخی پژوهش شود. مؤلفه‌هایی همچون امامت، رجعت، مهدویت و... در بستر جریان‌های تاریخی اتفاق افتاده‌اند. در ابتدای قرن بیستم اکثر محققان غربی مانند گلدزیهر^۱، فلوتن^۲، دارمستتر^۳ و دیگرانی از این دست، چنین اندیشیده‌اند و در فضای معاصر نیز هنوز برخی از محققان غربی این تفکر را دارند. در اینجا گفتنی است که در تعریف این روش در زبان انگلیسی دو واژه تاریخی‌نگری^۴ و تاریخی‌گری^۵ به کار رفته است؛ اما در زبان فارسی پژوهشگران آن را به یک معنا ترجمه کرده‌اند.

۱-۲. رویکرد تاریخی به شیعه و مطالعات شیعی در دوره معاصر

بخشی از پژوهش‌های شیعه‌پژوهان غربی نتایجی همچون «شیعه تاریخی» را به همراه دارند؛ اینکه شیعه و اندیشه آن چگونه و در چه شرایطی شکل گرفته و چگونه رشد کرده است. وقتی بحث از شیعه و آموزه‌های او می‌شود، می‌خواهند بدانند که آیا در نگاه اول شیعه به پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام منتسب است یا خیر و این اندیشه در حقیقت به صدر اسلام مربوط است یا اینکه پیدایش آن خاستگاه‌های متفاوتی داشته و در دوره‌ای بسیار متأخرتر از عصر پیامبر اسلام پدید آمده و رسمیت یافته است؟ همچنین در مورد آموزه‌های کلامی شیعه که در دل روایت‌ها و کتاب‌های حدیثی

۱. ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)، خاورشناس مشهور مجار و از پایه‌گذاران اسلام‌شناسی نوین در اروپاست.
۲. فان فلوتن (۱۹۰۳-۱۸۶۶)، از خاورشناسان هلندی است. وی در زمینه آثار تاریخی و ادبی از فرهنگ اسلامی به تصحیح و ترجمه چند اثر و به نگارش چند کتاب پرداخته است.
۳. جیمز دارمستتر (۱۸۹۴-۱۸۴۹)، از جمله استادان زبان‌شناس و اوستاشناس فرانسوی است که در دانشگاه سوربن اشتغال داشته و در عرصه فرهنگ شرق به‌ویژه ایران باستان تخصص یافته است.

4. Historicism.

5. Historism.

است، در پی این هستند که این احادیث در چه زمانی و در چه شرایطی پدید آمده است و حتی در صورت وجود احادیث، آیا این آموزه‌ها را می‌توان در میان این احادیث جست یا خیر؟

با دقت در مهم‌ترین آثاری که از محققان غربی معاصر درباره شیعه منتشر شده است، درمی‌یابیم که رویکرد تاریخی بسیار مورد اقبال بوده است. این رویکرد در سه ساحت مهم صورت گرفته است: ۱. بررسی سیره امامان شیعه و اصحابشان؛ ۲. سیر تاریخی تکوین شیعه و جریان‌های منسوب به آن؛ ۳. تاریخ‌گذاری احادیث و آموزه‌هایی که از میان احادیث استنباط می‌شوند.

۲-۲. رویکرد تاریخی به آموزه‌های شیعه و زندگی ائمه علیهم‌السلام

رویکرد تاریخی برخی شیعه‌پژوهان غربی در موضوع‌هایی همچون آموزه‌ها، سیره علمی و اعتقادی ائمه علیهم‌السلام متمرکز است، در این نوع مواجهه هدف می‌تواند تنها درکی تاریخی از این موضوعات باشد. در این میان نتیجه برخی پژوهش‌ها، چالش‌های کلامی را در مقابل برخی مذاهب اسلامی از جمله شیعه قرار می‌دهند. برای راستی‌آزمایی نوع و رویکرد این پژوهش‌ها و نسبت آنها با مسائلی همچون اندیشه تبشیری و استعماری و میزان توجه این آثار به رویکرد علمی، جای تحقیق و تأمل بیشتر دارد؛ زیرا در برخی آثار محققان غربی مستقیم یا غیرمستقیم در برخی باورهای اعتقادی و تاریخ وجودی شیعه تردید می‌شود و تصویر دیگری از خاستگاه و مفهوم پیدایش شیعه و آموزه‌های آن ارائه می‌گردد. گاه این تصویر کاملاً مخالف دیدگاه‌های شیعه در این خصوص است.

بنابراین پژوهشگر معاصر غربی با شیعه و آموزه‌هایش بحث جدلی و کلامی بر سر حقایق یا عدم حقایقیت او ندارد؛ بلکه می‌خواهد «شیعه تاریخی، اندیشه‌اش و شخصیت‌هایش» را بشناسد. این امر شامل بررسی موقعیت زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی محیط ظهور شیعه نیز می‌شود. او می‌خواهد بداند که چه شرایطی بر حوزه‌های جغرافیایی مختلف از جمله عراق، مدینه و ایران و دیگر

مکان‌ها در زمان ظهور شیعه حاکم بوده است؛ مردم از نظر اقتصادی در چه وضعیتی بوده‌اند و هستند؛ چه عواملی باعث رونق گرفتن شیعه و اندیشه شیعی در دوره‌های مختلف شده است؛ در واقع می‌خواهند بدانند که ادعاهای شیعیان درباره تاریخ شیعه و سیره ائمه و اندیشه‌های منتسب به آنها تا چه اندازه به اسناد تاریخی مستند است.

برای مستندسازی این مدعا می‌توان به رویکردهای برخی محققان غربی و از جمله بریتانیا اشاره کرد که در دوره‌های اخیر با رویکرد تاریخی بوده است. محققان غربی اصطلاح «تاریخ‌گذاری احادیث» را در پژوهش‌های حدیثی به کار برده‌اند. آنها با توجه به مأخذهایی که احادیث برای اولین بار در آنها ثبت شده‌اند و با توجه به شرایط تاریخی که احادیث آن را گزارش می‌کنند، به خاستگاه احادیث مختلف می‌پردازند.

در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی کسانی همچون گولدزیهر نظریه‌پردازی کرده‌اند. به باور او بسیاری از احادیث منسوب به پیامبر به دوره‌های بنی‌امیه و عباسی متعلق است. این رویکرد در بسیاری از آموزه‌های متعلق به عالم اسلام تردید می‌کند تا چه رسد به شیعه و آموزه‌های متعلق به شیعه.

مونتگمری وات، شیعه‌پژوه بریتانیایی، دانش آموخته دانشگاه ادینبرا در پژوهش‌های خود رویکردی تاریخی دارد؛ برای نمونه وی جانشینی علی علیه السلام را حاصل شرایط اجتماعی مکه می‌داند و تمایز زمینه‌های تاریخ اجتماعی عرب‌های شمالی و جنوبی را ریشه اختلاف نظر میان خوارج و شیعیان معرفی می‌کند و امامت علی علیه السلام و فرزندانش را نتیجه شرایط تاریخی جنوب شبه‌جزیره می‌داند که فرهنگ سلطنت موروثی در آن موجود بوده است.

او بر این اعتقاد است که خوارج بر خلاف عرب‌های شمالی حاضر به پذیرش رهبر دینی و جانشینی فرزندانش نبودند؛ یعنی وات قضیه امامت در شیعه را که یکی از آموزه‌های مهم اعتقادی و کلامی است و حتی می‌توان گفت رکن اساسی در شیعه است و بسیاری از اختلاف‌نظرها با دیگران از موضوع امامت شروع شده است، این‌گونه با رویکرد تاریخی به اختلاف فرهنگی اعراب شمال و جنوب در قبول رهبر تقلیل می‌دهد.

او جانشینی پیامبر را که در اندیشه شیعی ارتباط مستقیم با وحی دارد، به سلطنتی موروثی تنزل می‌دهد و آن را تأثیر پذیرفته از شرایط جغرافیایی و فرهنگ آن بخش می‌داند؛ حال آنکه قضیه جانشینی در میان شیعه مسئله‌ای نیست که به دلیل مسائل قومی - قبیله‌ای و شرایط آن دوره باشد. همان‌طور که در روایتی نقل می‌کنند که روزی پیامبر ﷺ بر بیعت برای جانشینی خود تصمیم گرفت و عده‌ای با آن حضرت مخالفت کردند که در همان زمان آیه ۷۹ سوره زخرف «أَمْ أَدْرَأْتُمْ أَفْرَأْنَا مُبْرِمُونَ» نازل گردید (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۵۳).

در مقابل عده‌ای معتقدند نص صریح بر جانشینی آن حضرت وجود ندارد یا اگر هم موجود باشد، نص بالوصف است. ابن میثم این سخن پیامبر ﷺ را نص صریحی بر جانشینی وی می‌داند؛ همچنین وات درباره اعتقاد شیعه به منجی معتقد است که این اعتقاد از مسیحیت گرفته شده است و حال آنکه نقل می‌کنند مردی یهودی پرسش‌های متنوعی را از حضرت امیرالمؤمنینؓ پرسید و حضرت در بخشی از پاسخ‌ها، به بشارت جبرئیل درباره دوازده امام به حضرت رسول ﷺ اشاره کرد (ابن عقده، ۱۴۲۴ق، ص. ۴۶؛ ابن زینب، ۱۳۶۲، ص. ۹۹).

یا برای مثال مایکل کوک، محقق بریتانیایی، کتابی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی نوشته است که منابع بسیاری در آن به کار گرفته شده است. برخی مدعی‌اند او رویکردی فقهی یا کلامی به این موضوع نداشته است و تنها در پی ارائه تاریخی از پیدایش موضوع امر به معروف و نهی از منکر است؛ اما بررسی دقیق این کتاب نشان می‌دهد افزون بر مواجهه با رویکرد تاریخی که نتیجه آن اصالت‌نداشتن آموزه مهمی مانند امر به معروف در شیعه است (Cook, 2010)، اهمیت این موضوع نیز از مسیر اصلی خود خارج و به عنوان مسئله‌ای بی‌اهمیت مطرح می‌شود که در نقادی‌های اندیشه کوک درباره امر به معروف طرح گردیده است و ما در این مجال برای جلوگیری از تکرار بدان نخواهیم پرداخت و فقط به نتیجه رویکرد تاریخی او اشاره کردیم.

به عنوان نمونه‌ای دیگر از محققان مطرح بریتانیایی می‌توان به اتان کلبرگ^۱ اشاره کرد. وی در مقاله «برخی دیدگاه‌های شیعه امامیه درباره مسئله تقیه» (Kohlberg, 1975) با رویکردی تاریخی به موضوع پرداخته است. او اشاره می‌کند کاربرد تقیه در شیعه نتیجه تمایزطلبی اهل بیت علیهم‌السلام بوده و تعارض در رویکرد شیعه امامی را نسبت به تقیه نشان می‌دهد. حال آنکه تقیه و عمل به آن در شیعه تابع مصالح و مفاسدی است که وی به آن بی‌توجه بوده است.

همچنین وی در نگاه تاریخی‌اش به قرآن از نگاه شیعه، بر این باور است که شیعه به تحریف قرآن معتقد است و در سده‌های اولیه به این مسئله اذعان داشته است؛ ولی امروزه در اکثر اوقات به آن اشاره نمی‌شود (Kohlberg & Amir-Moezzi, 2009). حتی در این میان کسانی همچون مادلونگ که دیدگاه‌هایش در مطالعات شیعی نسبت به دیگر شیعه‌پژوهان غربی، هرچند جانب انصاف را رعایت کرده است و شاید بتوان پژوهش‌های او در حوزه مطالعات شیعی را رنسانس مطالعات شیعی مستشرقان نامید، از این خطا مصون نبوده است. او در کتاب جانشینی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتقد است که علی علیه‌السلام در درک مسائل سیاسی و مدیریت بحران‌های سیاسی، اجتماعی دوران خود، نقاط ضعفی داشته است و معصوم‌بودن توجیه تاریخی ندارد (Madelung, 1997).

همچنین رابرت گلیو در مقاله‌اش در چاپ سوم دانشنامه اسلام لیدن بخش‌های مختلفی از زندگانی حضرت علی علیه‌السلام را بررسی می‌کند و می‌کوشد رویکردی عالمانه و دقیق‌تر نسبت به دیگر محققان غربی داشته باشد (Gleave, 2007)؛ ولی برخی معتقدند با وجود دسترسی گلیو به آثار شیعه و اطلاع از اینکه منابع اهل سنت به طور عمومی در بخشی از حادثه غدیر سکوت کرده‌اند، به خطا جریان معرفی حضرت علی علیه‌السلام را به عنوان رهبر معنوی بیان می‌کند؛ نه رهبر سیاسی (غضنفری و وحیدی، ۱۳۹۴، ص. ۸۳)؛ اما باید گفت با رویکرد تاریخی گلیو در این مسئله، نتیجه‌ای غیر از این مسئله حاصل نمی‌گردد.

1. Etan Kohlberg.

توجه بسیار به رویکرد تاریخی در پژوهش‌های معاصر بی‌گمان تحت تأثیر محققانی مانند مونته‌گمری وات و ویلفرد مادلونگ بوده است. در حال حاضر به دلیل مفهوم خاصی که جریان‌شناسی دارد و شامل آثار، شخصیت‌ها، پیروان و برخی مولفه‌های دیگر می‌شود، شاید نتوان روش‌شناسی و رویکردهای پژوهشی وات و مادلونگ را به عنوان یک جریان بررسی کرد، اما بی‌شک رویکردهای موجود در فضای علمی بریتانیا در حوزه اسلام‌شناسی و بعدها شیعه‌شناسی را می‌توان به دو دوره پیش از حضور این دو محقق و پس از ظهور آنها تقسیم کرد.

۳. پدیدارشناسی تاریخی

برخی بر این باورند که بی‌گمان روش پدیدارشناسی و روش تاریخی با هم جمع نخواهند شد. بر فرض پذیرش این فرضیه که در روش‌شناسی مطالعات شرق اعم از اسلام، شیعه و تشیع، بازگشت به این دو روش است، چالش‌های جدی در پژوهش‌های شیعه‌پژوهان غرب وجود دارد که برخی از آن با تعبیرهایی درون‌فهمی نام می‌برند؛ بنابراین اگر محقق پدیده‌ای را با شیوه پدیدارشناسانه بررسی کند و از روش تاریخ‌گرایانه نیز در پژوهش خود بهره‌گیری، به‌ضرورت به درون‌فهمی دست نمی‌یابد؛ زیرا فهم صحیح هر پدیده بر این مسئله مبتنی است که افزون بر پژوهش‌های برون‌دینی، بتوان آن مورد مطالعاتی را از درون نیز درک کرد و فهم صحیحی درباره آن داشت.

شیعه‌پژوهی در غرب که بر پایه‌های معرفتی همچون فضای حاکم بر اروپا، آثار شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان قبل، منابع اهل سنت به‌ویژه آثار نویسندگان رادیکال و بیشتر مطالعات در خلأ، تحلیل‌ها از شرق، مباحث شناختی در حوزه جامعه شیعی مبتنی است، در حوزه آموزه‌ها که تشیع باشد، با نگاه معرفت‌شناختی یک محقق شیعه بسیار متفاوت و گاهی بر خلاف آن است؛ برای نمونه به باور جمعی از محققان این حوزه اگر درک واضحی از معنای امامت و مسائل مرتبط با آن از جمله علم امام، عصمت امام یا بعضی از اصول رفتار سیاسی مانند تقیه و غیره وجود نداشته باشد، به طبع درک درستی از رخداد‌های مرتبط با شیعه و تاریخ آن نخواهیم داشت؛ بنابراین اگر تکیه ما برای فهم

بہتر، منابع معرفتی خودمان درباره پدیده‌ها باشد، آن درون‌فہمی حاصل نخواهد شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۹).

بی‌گمان تاکنون پژوهش‌های زیادی در مراکز مطالعاتی بریتانیا در عرصه و وضعیت‌شناسی مسلمانان انجام شده و مجلاتی تخصصی را در این حوزه راه‌اندازی کرده‌اند. غالب پژوهش‌های اسلامی در کشورهای اروپایی، به‌ویژه در بریتانیا بر محوریت فعالیت‌های جامعه اهل سنت این سرزمین‌ها صورت گرفته و می‌گیرد.

در این پژوهش‌ها تلاش می‌شود، تفاوت دیدگاه‌های اسلامی به جامعه اروپایی نشان داده شود و چالش‌های مذاهب مختلف اسلامی به تفکیک بررسی گردد. برخی از محققان بریتانیا همچون مادلونگ، رابرت گلیو، اتان کلبرگ و... تمرکزشان را بر شیعه و آثار شیعه قرار داده‌اند؛ برای نمونه یکی از این محققان الیور شاربروت، مدیر مرکز اسلام‌شناسی در دانشگاه چستر انگلستان است که بر ترجمه کتاب الحججہ تمرکز داشته است. بی‌گمان این کتاب نقش محوری در شناخت اصل ولایت و رهبری بر اساس اندیشه شیعی دارد. وی در این کتاب کوشیده است ضمن ارائه ترجمه‌ای روان، برای درک بہتر خوانندگان به محیط پیرامونی احادیث توجه کند. وی بر این باور است که برای ترجمه احادیث این کتاب، نیازمند دانشی درباره دیگر احادیث اسلامی هستند تا بدین وسیله بتوانند تفسیرهای درستی از این روایت‌ها ارائه دهند.

وی در باب تحقیقات شیعه‌پژوهانه این محققان در بریتانیا و بسیاری از مراکز علمی و دانشگاهی این حوزه جغرافیایی و اساساً غرب، مدعی است که پژوهش‌ها بر اساس دغدغه‌ها و مسائل سیاسی جهت‌دهی شده است که این امر به معضلی برای عرصه پژوهش تبدیل می‌شوند. به ادعا و اذعان خود این محققان با توجه به اقتضات مؤسسه‌های اروپایی، اگر بخواهید پژوهش‌هایی در حوزه اسلام‌شناسی یا شیعه‌شناسی انجام دهید، باید بر حوزه سیاسی متمرکز شوید.

۴. اسلام‌هراسی در بریتانیا

متأسفانه اسلام در حوزه جغرافیایی بریتانیا، بیشتر بر اساس فعالیت‌های افراطی جریان‌هایی

چون داعش، طالبان، القاعده و غیره معرفی می‌گردد. برخی معتقدند هر اندازه پژوهش‌های محض در حوزه ارائه صحیح آموزه‌های اسلامی و شیعی به صورت علمی و در مسیر توسعه روابط علمی و مراودات دانشگاهی در این حوزه جغرافیایی در کشورهای اروپایی بیشتر صورت گیرد، نتایج عمیق‌تری در حوزه تعاملات روزافزون جوامع اروپایی و مسلمانان برقرار خواهد شد.

برخی مراکز تخصصی و علمی ملاحظات امنیتی، سیاسی و اقتصادی دارند و ملاحظات و واقعیت‌های دیگر جوامع غیرغربی را نادیده می‌گیرند و به صورت کلی و عام در بخش مطالعات اسلامی نگاه اثبات‌گرایی^۱ دارند. آنها امور قطعی در تاریخ اسلام را منکرند و شیوه نوظهوری از تاریخ‌نگاری اسلام را تبلیغ می‌کنند که می‌تواند مواجهه بیشتر اسلام و غرب را در پی داشته باشد؛ همچنین باید توجه داشت برخی مراکز دانشگاهی بریتانیا پیش از انقلاب اسلامی در ایران دانشجویان و پژوهشگرانی را به ایران اعزام می‌کردند و این حضور برای درک عینی و شناخت فضای ایران مؤثر بود. این رخداد پس از انقلاب تا حدی کم‌رنگ و در برخی زمان‌ها قطع شد. عدم حضور در فضای عینی و پژوهش‌های متکی بر منابع کتابخانه‌ای، آنها را تا حدی از شناخت عینی بی‌بهره ساخت. ایراد این نوع پژوهش‌ها این است که برآیند و دستاورد آنها، تصویرسازی عینی از جامعه شیعه و اعتقادات آنهاست؛ حال آنکه مطالعات این پژوهشگران در فضایی ایجاد شده است که به بخشی از این تصویرسازی و نه تمام آن کمک می‌کند.

۴-۱. انگاره اسلام‌ستیزی در جامعه علمی

دو مؤسسه با عناوین مرکز انسجام اجتماع^۲ و مرکز مبادلات سیاسی^۳ از شناخته‌ترین پشتیبان‌های مواجهه و مخالفت با اسلام در انگلستان هستند. بیشتر آنها برآمده از جناح

1. Positivism.

2. The Centre for Social Cohesion (CSC).

3. Policy Exchange.

راست افراطی، جریان محافظه کار و ملی گرایان افراطی هستند.

از جمله مؤسسه‌هایی که در سال ۲۰۰۷م در بریتانیا ایجاد شد، مؤسسه انسجام اجتماع یا CSC است. این مرکز، اسلام را اصلی‌ترین و مهم‌ترین خطر برای جامعه انگلستان می‌داند و معتقد است اندیشه آنها و رویکردشان در تعارض جدی با اسلام سیاسی است. داگلاس موری،^۱ مدیر این مؤسسه بر این اعتقاد است که اسلام سازمان‌یافته‌ترین و مهم‌ترین عامل گسست اجتماعی در میان جامعه انگلستان است و در مواجهه کنونی غرب با جهان اسلام، دشمن که در نظر او مسلمانان و جامعه اسلامی است، به لحاظ سیاسی و جمعیت‌شناختی وارد حوزه‌های جغرافیایی آنها شده‌اند.

آثار منتشرشده این مرکز از جمله «نفرت نسبت به دولت»، «خلافت مجازی»، «خون و شرافت» و «جنایت‌های جامعه» برای مدت‌زمانی توجه دولت، کلیساها و افکار عمومی جامعه انگلستان را به خود جلب کردند و همچنین تلاش کردند به حزب محافظه کار کلیسای انگلستان و کسانی نظیر لرد کری^۲ و مایکل نظیرعلی^۳ که در مواجهه جدی با اسلام و جامعه اسلامی هستند، در مقابل حزب اصلاح طلب

1. Douglas Kear Murray.

داگلاس کی‌یر موری، متولد ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹، نویسنده و مفسر سیاسی بریتانیایی است. موری به عنوان یک محافظه کار، یک نومحافظه کار و منتقد اسلام شناخته شده است. منابع متعدد دانشگاهی و روزنامه‌نگاری آرا و ایدئولوژی او را با ایدئولوژی‌های سیاسی راست افراطی مرتبط دانسته‌اند؛ همچنین موری به ترویج نظریه‌های توطئه راست افراطی و اسلام‌هراسی بودن شناخته شده است؛ هرچند خود او این موضوع را رد کرده است.

2. George Leonard Carey.

جورج لیونارد کری، صد و سومین سراسقف کانتربری، از ۱۹۹۱م. به بعد، از خانواده‌ای تبشیری و آزاداندیش بود و از ۱۹۸۷م. اسقف باث و ولز شد. دفاع وی از انتصاب زنان به مقام‌های کلیسایی در نخستین دیدارش با پاپ ژان پل دوم (۱۹۹۲)، موجب اختلاف بین آنها شد.

3. Michael Nazir-Ali.

مایکل نظیرعلی، اسقف پاکستانی تبار کلیسای روم‌پس و مهم‌ترین مقام کلیسای انگلیس پس از دو مقام اسقف اعظم کانتربری و سر اسقف یورک است. وی در نوزدهم آگوست ۱۹۴۹م. در کراچی پاکستان و در خانواده‌ای مسیحی - مسلمان متولد شد. پدرش شیعه بود. وی در مدرسه مسیحی سنت پل و کالج سنت پاتریک در کراچی حضور یافت و بعدها به طور رسمی در سن بیست‌سالگی در کلیسای انگلیس پاکستان پذیرفته شد. او از منتقدان جدی اسلام و جامعه مسلمانان است. از وی کتاب و مقالات و سخنرانی‌هایی ضد اسلام منتشر شده است.

انگلستان به راهبری روان ویلیامز^۱ برای نیل به خواسته‌هایشان نزدیک تر شوند. برای مثال مایکل نظیر علی در مقاله‌ای مسلمانان را به افراط‌گرایی و خشونت‌طلبی متهم می‌کند و می‌افزاید اسلام افراطی برنده روندهای فزاینده انحطاط اخلاقی مسیحیت در انگلیس است. در مقابل، اسقف روجستر در مقاله‌ای، نومسلمانان پیش‌تر مسیحی در انگلیس را به داشتن انگیزه‌های افراطی و خشونت‌طلبانه برای تغییر دین خود متهم کرده بود (The guardian newspaper, 2009).

به نظر او به جای متهم کردن اسلام به خشونت و افراطی‌گری یا طرح اتهام استفاده اسلام از انحطاط اخلاقی مسیحیت، باید با مسئولیت‌پذیری، آسیب‌شناسی کند و مشکلات را به گردن دیگران نیندازد. اگر جوانان انگلیسی‌روگردان از مسیحیت و تعالیم آن به جای پناه آوردن به الکل، مسائل جنسی و خشونت به اسلام پناه می‌آورند، باید قدر دان جهان اسلام برای جذب آنها باشد؛ زیرا که هنوز ارتباط خود را با معنویت و خدا حفظ کرده‌اند. اما آن دسته از جوانان که به رویکردی افراطی به اسم اسلام روی می‌آورند، به یقین اسلام حقیقی با این آموزه‌ها مشکل دارد و این گروه‌ها فقط نام اسلام را یدک می‌کشند.

اندیشکده پالیسی اکسچنج^۲ یا همان تبادل سیاست در سال ۲۰۰۱م را عده‌ای از نماینده‌های حزب محافظه‌کار انگلستان ایجاد کردند. دیوید کامرون نخست‌وزیر محافظه‌کار وقت انگلستان بودجه این مرکز را به چهار برابر افزایش داد و کارکنان این

1. Rowan Douglas Williams.

روان داگلاس ویلیامز چهاردهم ژوئن ۱۹۵۰م. در سوان‌سی به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات دبیرستان در دانشکده مسیحیت کمبریج به آموختن الهیات پرداخت. پس از آن در دانشگاه آکسفورد به تحقیق درباره مسیحیت در روسیه پرداخت. در پنجم دسامبر ۱۹۹۱م. به عنوان اسقف کلیسای مونموث برگزیده شد. در ۱۹۹۹م. به عنوان اسقف اعظم ولز و در بیست و سوم ژوئیه ۲۰۰۲م. به عنوان اسقف اعظم در کلیسای کاتربری برگزیده شد.

2. Policy Exchange.

پالیسی اکسچنج یک اندیشکده محافظه‌کار بریتانیایی مستقر در لندن است. در سال ۲۰۰۷م. در روزنامه دیلی تلگراف به عنوان بزرگ‌ترین و همچنین تاثیرگذارترین اتاق فکر در جناح راست توصیف شده است. واشنگتن‌پست می‌گوید: گزارش‌های پالیسی اکسچنج اغلب از سیاست‌های دولت در بریتانیا خبر می‌دهند.

مؤسسه به همین میزان افزایش پیدا کردند. گاف، بولز و ویزی اندیشه‌ها، چگونگی پیدایش و ریشه‌های این جریان را در کتابی با عنوان فردای آبی آورده است؛ همچنین مایکل گاف کتاب ۷/ ۷ سلسیوس را در تشریح پایه و اساس حمایت از اسلام‌هراسی نوشت.

مؤسسه تبادل سیاست گزارش اولیه‌ای را در سال ۲۰۰۶م. با عنوان «وقتی تجددخواهان با سنت گراها و مرتجعین بحث می‌کنند» به قلم مارتین برایت پخش کرد. برایت روزنامه‌نگاری مخالف اسلام است که در سال ۲۰۰۱م یادداشتی ضد قرآن برای نشریه دولتمرد نوشت (قاسمی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۴).

مرکز تبادل در اول ژوئیه و اولین سالگرد بمب‌گذاری‌های سال ۲۰۰۵م لندن گزارشی از آن منتشر کرد. محتوای این گزارش شامل برخی یادداشت‌های برایت در مورد ارتباط سلطنت بریتانیا با گروه‌های مسلمان بود. او نوشت وزارت خارجه بریتانیا سیاست مماشات و دلجویی را درباره‌ی اسلام بنیادگرا پی گرفته که واکنش‌های منفی را برای بریتانیا به همراه داشته است (Bright, 2006).

این مرکز همچنین گزارش‌هایی با عنوان «وقتی پیش‌گامان با ارتجاعیون متحد می‌شوند»، «مصادره‌ی اسلام انگلیسی»، «با هم و جدا از هم زندگی می‌کنیم»، «مدارس مذهبی که می‌توانیم به آنها ایمان داشته باشیم» (Bald & et al., 2010) به قلم مارتین برایت^۱ منتشر کرد.

پژوهش‌های اخیر دانشگاه‌ها در بریتانیا به بررسی چگونگی بازنمایی، درک و

1. Martin Bright.

مارتین درک برایت (متولد پنجم ژوئن ۱۹۶۶)، روزنامه‌نگار انگلیسی است. او پیش از آنکه خبرنگار آموزش The Observer و سپس سردبیر امور داخلی شود، در سرویس جهانی BBC و The Guardian وارد شد. وی از ۲۰۰۵م. تا ۲۰۰۹م. ویراستار سیاسی New Statesman بود. او یک وبلاگ برای Spectator داشت و ویرایشگر سیاسی The Chronicle یهودی از سپتامبر ۲۰۰۹م. تا مارس ۲۰۱۳م. بود. در سال ۲۰۱۴م. در بنیاد تونی بلر مسئولیت گرفت، اما پس از پنج‌ماه استعفا داد؛ به دلیل عدم استقلال تحریریه. وی از اواخر قرن بیستم به‌ویژه با ظهور افراط‌گرایی در میان مسلمانان، حملات تروریستی در انگلیس و خارج از کشور و جنبه‌های روابط دولتی انگلیس با جامعه مسلمانان انگلستان را پوشش داده است.

زندگی اسلام در آموزش عالی در بریتانیا می‌پردازد و به ماهیت متغیر زندگی دانشگاهی و جایگاه دین در آن توجه می‌دهد. حتی درحالی که بسیاری از دانشگاه‌ها به دلایل مرتبط با تاریخ و اخلاق، جهت‌گیری‌های مبهم یا تأییدکننده‌ای نسبت به مؤسسه‌های مذهبی دارند، بسیاری از پژوهش‌های غربی، آموزش عالی را نیرویی به‌شدت عرفی فرض می‌کنند. این چارچوب باعث شده است عامل مذهب همواره به عنوان امر فرهنگی غیرمرتبط توسط دانشگاه به حاشیه رود یا نادیده گرفته شود. با این حال در سال‌های اخیر که آموزش عالی به طور فزاینده‌ای به گفتمان‌های سیاسی کشیده شده است، دین را به طور کلی و اسلام را به طور خاص به عنوان یک موضوع مخاطره‌آمیز مطرح می‌کند.

این مسئله به صورت ویژه‌تر شیعه را نیز در بر می‌گیرد؛ اما مدل پژوهش‌های موجود در دانشگاه‌های دولتی و غیرانتفاعی بریتانیا در پی معرفی نمونه‌ای از اسلام است؛ زیرا مخالفت با جریان اسلام‌گرایی در این کشور می‌تواند تنش‌های شدیدی را ایجاد کند؛ بنابراین آنها با استفاده از بزرگ‌ترین مجموعه داده‌ای که تاکنون در بریتانیا جمع‌آوری شده است، زندگی دانشگاهی و راه‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن ایده‌هایی درباره اسلام و هویت مسلمانان تولید، تجربه، درک، تخصیص و عینیت‌سازی می‌شوند.

همچنین نقش دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، مسلمانان را در تولید، تقویت و اعتراض‌های نوظهور درباره تفاوت‌های مذهبی در نظر می‌گیرد. این رویکرد فرهنگی متفاوت از دانشگاه‌ها به‌عنوان مکان‌های تولید دانش و زمینه‌ای برای مذاکره درباره دیدگاه‌های فرهنگ و دین در میان نسل‌های جدید است. این پژوهش‌های دانشگاهی مشترک نیاز مبرم به رهایی اسلام از نقش رسمی خود به‌عنوان فرد دیگری را نشان می‌دهد. زمانی که دانشگاه‌ها به این هدف دست یابند، مدعی هستند که با این پیشینه پژوهشی می‌توانند به دانشجویان با هر وابستگی کمک کنند تا ابتدا شهروند دانشگاه باشند تا برای شهروندی جهان آماده شوند

(Scott-Baumann & et al., 2021).

۲-۴. دانشگاه‌های بریتانیا به مثابه اتاق فکر

اتاق‌های فکر، سازمان‌هایی هستند که هدف اصلی آنها تحلیل سیاسی است. هدف این اتاق‌ها آگاه‌سازی شهروندان و شخصیت‌های سیاسی و دولتی است. درباره ماهیت مفهوم اتاق فکر، همچون دیگر اصطلاح‌ها در علوم انسانی، تعریف مشخص و معینی نمی‌توان ارائه داد. به باور اندرو ریچ^۱ اتاق فکر همان مرکز مطالعاتی غیرانتفاعی است که هدف آنها ورود به میدان تصمیم‌سازی عمومی از مسیر ارائه تجزیه و تحلیل‌های راهبردی و ایراد مسائل تخصصی است (Rich, 2004, p. 23).

جان سی گودمن^۲، مدیر مؤسسه ملی تحلیل سیاسی در آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «اتاق فکر چیست؟» معتقد است اتاق فکر، مجموعه و سازمانی است که با پشتیبانی از پژوهش و مطالعه بر روی معضلات، در پی یافتن راه حل است و پژوهشگران را برای رسیدن به پاسخ تشویق می‌کند. از سوی دیگر با ایجاد ارتباط میان نخبگان راه رسیدن به این هدف را هموار می‌کند و سرعت می‌بخشد. او می‌گوید اتاق فکر در سیاست عمومی، به‌ویژه بر سیاست‌های دولتی متمرکز است (Goodman, 2008, pp. 1-2). تشریح دقیق موضوع مورد بحث در تحقیق حاضر، یعنی امکان‌سنجی نقش و تأثیر مراکز پژوهشی به منزله اتاق فکر در رویکرد و مسیر شکل‌گیری مطالعات شیعی در فضای دانشی بریتانیا در ساختار نظریه تصویرسازی^۳ و اینکه چه تاریخ و روندی را گذرانده و امروز در چه جایگاهی قرار دارد. به طبع نتیجه‌ای که از این تحقیق حاصل می‌گردد می‌تواند در روند پژوهش‌های دینی در فضای معاصر به محققان داخلی کمک رساند.

با توجه به دیدگاه تصویرسازی که در آن تصویرها اساس تصمیم‌سازی را تشکیل می‌دهند و امور عینی و واقعی در قالب تصویرها معنا می‌یابند، می‌توان ادعا کرد مبنا و ریشه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی را تصاویر تشکیل می‌دهند (افتخاری، ۱۳۸۷، ص. ۳۲).

با توجه به دیدگاه تصویر ذهنی، انسان بیش از مواجهه با واقعیت با برداشت از

1. Rich Andro.

2. Goodman .C John.

3. Theory Image.

واقعیت روبه‌رو می‌شود و همین برداشت اساس تصمیم‌گیری و عمل برای او می‌گردد. این معنا و مفهوم بیشتر در مورد رسانه به کار گرفته می‌شود و به طبع بر ذهن و نوشته‌ها نیز تأثیر بسزایی دارد و نباید از آن غافل بود.

کاستلز^۱ در کتاب عصر اطلاعات؛ قدرت و هویت، در مورد نقش پررنگ رسانه در فضای ذهنی جامعه، بر این نظر است که چون رسانه تاروپودی نمادین در زندگی ما دارد، مانند تجربه‌های واقعی که بر رؤیاهای ما مؤثرند، این رسانه‌ها نیز بر دانش، داده‌ها و رفتار ما مؤثر هستند و داده‌های ویژه‌ای را ایجاد می‌کنند که ذهن انسان برای تحلیل و ارزیابی آنها را به کار می‌بندد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص. ۴۳۱).

در مجموعه بریتانیا و به‌ویژه در انگلستان، شبکه‌های مرتبط و به‌هم‌پیوسته از احزاب، گروه‌ها و اتاق‌های فکری که از مراکز آموزشی همچون دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مراکز آموزشی خصوصی سرچشمه می‌گیرند، در زمینه اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی فعالیت دارند. این مراکز در حالی که با هم از راه‌های مختلف مرتبط هستند، همچنین با ساختار و شبکه‌های گسترده‌تر علمی در آمریکا و اروپا ارتباط دارند.

فارغ از مراکز دانشگاهی و پژوهش‌های موجود در این حوزه جغرافیایی، مجموعه‌های علمی و سیاسی دیگری نیز وجود دارند که بر نگاه محققان و مسیر پژوهشی آنها و رویکرد هایشان تأثیر گذار است. مجموعه‌هایی همچون حزب ملی انگلیس، آجنش جهادستیزی^۲ و مجمع دفاعی انگلیس^۳ مهم‌ترین مراکز فعال در این حوزه هستند که در سال‌های متمادی به‌ویژه سال‌های اخیر، اسلام را به عنوان ریشه ترور و اصلی‌ترین تهدید برای جامعه بریتانیا، حاکمیت سیاسی و مردم معرفی می‌کنند و آنها را به تقابل و ضدیت با اسلام و جامعه اسلامی وامی‌دارند. در میان همه این گروه‌ها، فعالیت دو اتاق فکر مهم مرکز همبستگی اجتماعی و تبادل سیاست مرتبط با جناح راست انگلیس، اهمیت والایی

1. Manuel Castells.

2. British National Party (BNP).

3. Counter-Jihad Movement.

4. English Defense League (EDL).

دارد و با همه این دسته‌ها هماهنگ است. این دو اتاق تأثیر بسزایی در انسجام افکار جامعه انگلستان و تعیین سیاست‌های کلی در مواجهه با اسلام و جامعه اسلامی دارند.

اتاق فکرها اظهار می‌دارند که موضعی علمی و روشنگرانه به جریان توسعه اسلام و خطر آفرین بودن آن دارند و در پی مسئله‌ای جز ارائه واقعیت‌ها نیستند، اما وقتی از واکنش‌ها در مواجهه با طغیان اسلام‌هراسی سخن می‌رود، این اتاق‌های فکر محافظه‌کار نیز خود را تا حدی در فضایی بسته و تحت فشار می‌بینند؛ زیرا آنها از یک سو به دلیل نژادپرستی و خشونت‌ها، خواهان محکومیت مجمع دفاعی انگلیس و حزب ملی است و از دیگر سو در پی بی‌اهمیت نشان دادن گستره وجود نژادپرستی ضد اسلام هستند؛ زیرا با این حرکت می‌توانند توجهات را از اسلام‌گرایی در انگلستان منحرف کنند (Mills & et al., 2011, p. 9).

اشکال این نوع نگاه و جایگاه دوگانه آن است که در نهایت فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و دینی صلح‌آمیز گروه‌های مسلمان را محکوم می‌کنند؛ در حالی که همزمان شیوه فعالیت یا خشونت نژادپرستان و اسلام‌هراسی مانند مجمع دفاعی انگلیس را کم‌اهمیت یا سعی در موجه جلوه دادن آن هستند. با توجه به پیشینه این گروه‌های فکری می‌توان ادعا کرد که آنها نسبت به تهدید از جانب اسلام‌گرایی نهادهای عمومی بریتانیا تا حد امکان غلو می‌کنند (Mills, Griffin, Miller, 2011, p. 9).

تمامی گزارش‌ها و تحلیل‌های در دسترس برای ورود اسلام‌هراسی به اجتماع و سیاست در بریتانیا و بخش‌های جغرافیایی متنوع آن است. این گزارش‌ها برخورد شدیدتر دولت با مسلمانان و مجموعه‌های آنها مانند مسجدها و مدرسه‌های خصوصی آنها را درخواست دارند؛ همچنین در این میان بعضی گروه‌های چپ از طرفداران اسلام‌هراسی هستند. آنها نوشته‌هایشان درباره این موضوع را در مجلات نیو استیتزمن^۱ و جوئیش کرونیکل^۲ منتشر می‌کنند.

1. New Statesman.

نیو استیتزمن مجله سیاسی و فرهنگی انگلیسی در لندن است. اولین شماره این مجله در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۱۳ به عنوان مجله هفتگی سیاست و ادبیات منتشر شد.

2. The Jewish Chronicle.

جوئیش کرونیکل مجله‌ای با موضوعات نقد سیاسی، ادبی، فرهنگی و ورزشی متعلق به یهودی‌های انگلستان که شماره اول مجله خود را در سال ۱۸۴۱ میلادی، به زبان انگلیسی چاپ کرد.

تفکرات و نوشته‌های رابرت اسپنسر^۱ و ژیل لیتمن^۲ مورخ بریتانیایی اثر قابل توجهی در فراهم کردن داده‌های فکری گروه‌های ضد اسلامی در غرب دارد. جریان‌های ضد اسلامی در این حوزه جغرافیایی و همچنین در مجموعه غرب از راه پژوهش‌های علمی، اتاق‌های فکر، روزنامه‌ها، کنفرانس‌ها، فیلم سینمایی، کارتون و بازی‌های رایانه‌ای، اسلام و جامعه اسلامی را در سراسر جهان چونان یک ایدئولوژی و اندیشه تهدیدآمیز برای فرهنگ و تمدن غرب معرفی می‌کنند.

گفتنی است بنیان‌نهادن رشته‌های دانشگاهی و پژوهش‌های متعدد در مقاطع مختلف در دانشگاه‌های مختلف اروپا و تلاش برای تربیت نیروهایی که بتوانند به مفاهیم اسلامی و شیعی تسلط داشته باشند، یکی از اهداف دانشگاه‌های مختلف در اروپا، به‌ویژه بریتانیاست. شمار این دانشگاه‌ها در حال حاضر در اروپا در حال گسترش است؛ برای مثال تنها در بریتانیا تاکنون ۴۶ دوره مختلف در حوزه مطالعات اسلامی، هجده مؤسسه و دانشگاه ارائه شده است و انتظار می‌رود این مؤسسه‌ها و دانشکده‌ها با توجه به رشد جمعیت مسلمانان در این کشور و نیاز بیشتر به متخصصان حوزه مطالعات اسلامی بیشتر شوند.

1. Robert B. Spencer.

رابرت بروس اسپنسر (متولد ۱۹۶۲م). نویسنده، وبلاگ‌نویس و یکی از چهره‌های اصلی جنبش ضد جهاد، ضد مسلمان آمریکایی است. کتاب‌های وی شامل دو کتاب پر فروش نیویورک تایمز است. وی در سال ۲۰۰۳م. وبلاگ دیده‌بان جهاد برای ردیابی افراط‌گرایی اسلامی را تأسیس کرد. وی با همکاری وبلاگ‌نویسی به نام پاملا گلر، گروه ضد مسلمان Stop Islamization of America را بنیان نهاد.

2. Gisèle Littman.

ژیل لیتمن، نویسنده بریتانیایی، متولد مصر با نام مستعار بت یئور (Bat Ye'or)، در اوایل دهه ۲۰۰۰م. نویسنده کتابی به نام عروپا که در سال ۲۰۰۵م به چاپ رسید. عروپا (Eurabia) از واژگان نو سیاسی است که از دو کلمه عرب و اروپا ترکیب شده است. این اصطلاح به نظریه توطئه اسلام‌هراسی جریان راست افراطی اشاره دارد. این نظریه معتقد است روند عربی‌سازی و اسلامی‌سازی قاره اروپا از جانب برخی مراکز فعال بین‌المللی به سرپرستی کشور فرانسه و برخی کشورهای عربی در حال انجام است و هدف آنها ضعیف کردن فرهنگ فعلی اروپا و دور کردن اروپا از همگرایی با آمریکا و اسرائیل است.

نتیجه گیری

بیشتر پژوهش‌های محققان بریتانیایی در عرصه مطالعات شیعی با رویکردی تاریخی بوده است و با توجه به آثار این پژوهشگران و سیاست‌های کلان و رسانه‌ای دولت که در قالب تصویرسازی مؤثر بر نوع نگاه اسلام‌شناسان یاد شده بوده است، ادعای برخی از پژوهشگران مبنی بر اینکه مطالعات شیعه‌پژوهی با این رویکرد تنها در پی درکی بهتر از آموزه‌های شیعی و معرفت درجه دوم هستند، بدون دقت کافی است. البته پاسخ ارائه شده در این مقاله نمی‌تواند ادعای تمام‌بودن آن را داشته باشد، همان‌طور که اقتضای فضای علمی است؛ اما با توجه به شواهد و مستندات ارائه شده و با توجه به نظریه تصویرسازی که بر متأثربودن خودآگاه یا ناخودآگاه پژوهش‌های محققان از اتاق‌های فکر تأکید دارد، مسئله دیگری غیر از تعریف بیان‌شده از روش تاریخ‌نگرانه را گزارش می‌دهد؛ زیرا براینکه این آثار که اتفاقاً با نگاهی تاریخی به انجام رسیده است، نقد آرا و آموزه‌های شیعی بوده است؛ برای نمونه مونتگمری وات امامت را در شیعه محصول تاریخی می‌داند که در ابتدای امر، صرفاً اندیشه اعتقاد به برتری حضرت علی ع نسبت به دیگران بوده است و به مرور زمان و در طول تاریخ به این اعتقاد تبدیل شده است. منافات داشتن این نتیجه با علمی‌بودن رویکرد در آنجا رخ می‌کند که روشن می‌شود نتایج این محققان بر اساس پیش‌فرض‌ها و ملاک‌هایی است که با وجود آنها محقق به نتیجه‌ای جز مخالف با آموزه‌های شیعه نخواهد رسید. حال آنکه شناخت هر مذهبی از مسیر آثار، اندیشه و روش صحیح خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت محصول رویکرد تاریخی نیز به همان نقد آموزه‌ها خواهد انجامید و ادعای اینکه این محققان در پی معرفت درجه دوم هستند، دقیق نیست و دیدگاه‌هایی از این دست مؤید نظریه تصویرسازی و تأثیر کارویژه‌های سیاسی بر جامعه علمی است. در ضمن این پرسش باقی است که اگر مطالعات علمی در غرب بر پایه نیازهای واقعی است، چگونه مهم‌ترین نتیجه مطالعات این مراکز صرف درک و شناخت تاریخی است و نه چیزی دیگر؟

فهرست منابع

۱. ابن عقده. (۱۴۲۴ق). فضائل أمير المؤمنين. قم: دليل ما.
۲. استرآبادی، ع. (۱۴۰۹ق). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. افتخاری، ا. (۱۳۸۷). دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب. رسانه، ۲۰(۳)، صص. ۲۹-۴۳.
۴. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). چالش‌های شیعه‌پژوهی غربیان و راه‌کارهای آن. قم: نشر خاکریز.
۵. چلونگر، م.ع. (۱۳۹۰). خاورشناسی به شیوه همدلانه؛ روش‌شناسی خاورشناسان در برخورد با اصول و مبانی فکری و اعتقادی شیعه. سوره اندیشه، شماره ۵۴-۵۵، صص. ۳۰۰-۳۰۵.
۶. زائری، ق.؛ راغب، ع. (۱۳۹۳). روش‌شناسی تاریخی ویکو. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۷۹، صص. ۴۷-۶۹.
۷. شیمیل، آ.م. (۱۳۷۶). تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام. قم: دفتر نشر فرهنگ و آثار اسلامی.
۸. صانع‌پور، م. (۱۳۹۵). جستاری در روش شیعه‌پژوهی غرب با تمرکز بر امامت علی علیه السلام. پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۴۹، صص. ۶۳-۸۴.
۹. غضنفری، س.؛ وحیدی، ش. (۱۳۹۴). جانشینی امام علی علیه السلام و رخداد غدیر: بررسی و نقد دیدگاه رابرت گلیو. شیعه‌پژوهی، ۱(۳)، صص. ۷۵-۹۵.
۱۰. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۱. قاسمی، ح.؛ حاتم‌زاده، ع. (۱۳۹۷). نقش اتاق فکرها در ترویج اسلام‌هراسی در انگلستان، مطالعه موردی: اتاق فکر تبادل سیاست. مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۵، صص. ۵۹-۷۸.

۱۲. کاستلز، ا. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ قدرت و هویت. (مترجم: ح. چاوشیان). تهران: انتشارات طرح نو.
۱۳. نصر، س. ح. (۱۳۹۴). قلب اسلام. تهران: نشر نی.
۱۴. نعمانی، م. (۱۳۶۲). الغیبة (مترجم: فهري). تهران: دارالکتب الإسلامية.
15. Bald, J., Harber, A., Robinson, N. & Schiff, E. (2010). Faith Schools, We Can Believe In, ensuring that Tolerant and Democratic Values are Upheld in Every Part of Britain's Education System. *Policy Exchange*. P. 30.
16. Bright, M. (2006). When Progressives Treat with Reactionaries: The British State's flirtation with radical Islamism. *Policy Exchange*. No1096300, p. 7.
17. Cook, M. (2010). *Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought*. Cambridge University Press.
18. Gerholm, Y. T. & Lithman, G. (1988). *The New Islamic presence in Western Europe*. London: Mansell.
19. Gleave, R. (2011). Ali b. Abi Talib. In: *Encyclopedia of Islam* (3 Ed.). Brill.
20. Goodman, C. J. (2008). What is a think tank? URL= [http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter Goodman.pdf](http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter%20Goodman.pdf)
21. Kohlberg, E. (1975). Some Imāmī-shīī Views on Taqīyya. *Journal of the American Oriental Society*, 95(3). p. 395.
22. Kohlberg, E., Amir-Moezzi, M. A. (2009). *Revelation and Falsification, The Kitāb al-qirā'āt of Ahmad b. Muhammad al-Sayyārī*. Leiden: publisher Brill.
23. Madelung, W. (1997). *Succession to Muhammad, Rashidun Caliphate*. Cambridge: Cambridge University Press.
24. Mills, T., Griffin, T. & Miller, D. (2011). *The Cold War on British Muslims: An examination of Policy Exchange and the Centre for Social Cohesion*. Spin watch Foundation. p. 40.
25. Nazir-Ali, M. (28 Mar 2009). Controversial bishop quits Rochester diocese. *The Guardian Newspaper*.
26. Rich, A. (2004). *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*. Cambridge: Cambridge University Press.

27. Scharbrot, O. (2020). *The Study of Shia Islam in British Academia: Some Preliminary Reflections*. University of Birmingham: Department of Theology.
28. Scott-Baumann, A., Guest, M., Naguib, Sh., Cheruvallil-Contractor, S. & Phoenix, A. (2021). *Islam on Campus: Contested Identities and the Cultures of Higher Education in Britain*. Oxford: Oxford University Press.



References

1. Astarabadi, A. (1989). *Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fada'il al-Itrah al-Tahirah*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
2. Bald, J., Harber, A., Robinson, N. & Schiff, E. (2010). Faith Schools, We Can Believe In, ensuring that Tolerant and Democratic Values are Upheld in Every Part of Britain's Education System. *Policy Exchange*. p. 30.
3. Bright, M. (2006). When Progressives Treat with Reactionaries: The British State's flirtation with radical Islamism. *Policy Exchange*. p. 7.
4. Castells, M. (2001). *The Information Age: Power and Identity* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
5. Chelonegar, M. A. (2011). Orientalism in a Sympathetic Manner: Methodology of Orientalists in Dealing with the Principles and Beliefs of Shi'ism. *Surah Andisheh*, (54-55), pp. 300-305. [In Persian]
6. Cook, M. (2010). *Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought*. Cambridge University Press.
7. Eftekhari, A. (2008). Two Faces of Islamophobia: Negative and Positive in Western Propaganda. *Media*, 20(3), pp. 29-43. [In Persian]
8. Faramarz Qaramaleki, A. (2006). *Methodology of Religious Studies*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences Publishing. [In Persian]
9. Feel free to ask if you need any further refinement or additional sources!
10. Gerholm, Y. T. & Lithman, G. (1988). *The New Islamic presence in Western Europe*. London: Mansell.
11. Ghasemi, H., & Hatamzadeh, A. (2018). The Role of Think Tanks in Promoting Islamophobia in the UK, Case Study: Policy Exchange Think Tank. *Political Studies of the Islamic World*, (25), pp. 59-78. [In Persian]
12. Ghazanfari, S., & Vahidi, S. (2015). The Succession of Imam Ali and the Event of Qadir: A Review and Critique of Robert Gleave's View. *Shiite Studies*, 1(3), pp. 75-95. [In Persian]

13. Gleave, R. (2011). Ali b. Abi Talib. In: *Encyclopedia of Islam* (3 Ed.). Brill.
14. Goodman, C. J. (2008). *What is a think tank?* Retrieved from: [http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter Goodman.pdf](http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter%20Goodman.pdf)
15. Group of Authors. (2009). *Challenges of Shiite Studies by Western Scholars and Their Solutions*. Qom: Khakriz. [In Persian]
16. Ibn 'Uqda. (2003). *Virtues of Amir al-Mu'minin*. Qom: Dalile Ma. [In Arabic]
17. Kohlberg, E. (1975) Some Imāmi-shīī Views on Taqiyya. *Journal of the American Oriental Society*, 95(3), p. 395.
18. Kohlberg, E., Amir-Moezzi, M. A. (2009). *Revelation and Falsification, The Kitāb al-qirā'āt of Ahmad b. Muhammad al-Sayyārī*. Leiden: publisher Brill.
19. Madelung, W. (1997). *Succession to Muhammad, Rashidun Caliphate*. Cambridge: Cambridge University Press.
20. Mills, T., Griffin, T. & Miller, D. (2011). The Cold War on British Muslims: An examination of Policy Exchange and the Centre for Social Cohesion. Spin watch Foundation. p. 40.
21. Nasr, S. H. (2015). *The Heart of Islam*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
22. Nazir-Ali, M. (28 Mar 2009). *Controversial bishop quits Rochester diocese*. The Guardian Newspaper.
23. No'mani, M. (1983). *al-Ghaybah* (Fihri, Trans.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
24. Rich, A. (2004). *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*. Cambridge: Cambridge University Press.
25. Sane'pour, M. (2016). An Inquiry into Western Shiite Studies Methodology with a Focus on the Imamate of Ali. *Nahj al-Balagha Studies*, (49), pp. 63-84. [In Persian]
26. Scharbrot, O. (2020). *The Study of Shia Islam in British Academia: Some Preliminary Reflections*. University of Birmingham: Department of Theology.

27. Schimmel, A. M. (1997). *Explaining the Verses of God: A Phenomenological Look at Islam*. Qom: Office of Islamic Culture and Works Publishing. [In Persian]
28. Scott-Baumann, A., Guest, M., Naguib, Sh., Cheruvallil-Contractor, S. & Phoenix, A. (2021). *Islam on Campus: Contested Identities and the Cultures of Higher Education in Britain*. Oxford: Oxford University Press.
29. Zaeri, Q., & Ragheb, A. (2014). Historical Methodology of Vico. *Methodology of Humanities*, (79), pp. 47-69. [In Persian]

